

یک گام به پیش، دو گام به پس خیزش انقلابی توده های مردم ایران از فردای ۲۲ خرداد، آزمون ها و تجارب آن

تنها یک روز پس از ۲۲ خرداد سال گذشته (۱۳۸۸) توده های مردم ایران در اعتراض به تقلب سازمان یافته نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی، به خیابان ها و میدانی شهرها ریختند. گرچه در ایران، تقلب در انتخابات پدیده تازه ای نبود، اما جمهوری اسلامی در این انتخابات فرمایشی نیز هیچ ارزشی برای رای و اراده مرد ایران قائل نشد.

خامنه ای، شورای نگهبان و ارگان های سرکوبگر رژیم، با دستکاری و تقلب وسیع در انتخابات، برای یک دوره دیگر احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور کشور به توده های مردم ایران تحمیل کردند. اما اینبار توده های به خشم آمده ایران به بهانه تقلب در انتخابات در خیابان ها به خروش درآمدند، و با شعار "رای من کجاست"، "رای من را پس دهید"، اوج نفرت و انزجار خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ابراز داشتند.

اما، به علت فقدان یک رهبری رادیکال و انقلابی، عدم وجود تشکل های سراسری و سازمان یافته کارگران و توده های مردم ستمدیده، جناح "اصلاح طلب" و رقبای انتخاباتی احمدی نژاد، با دیدن انبوه مردم خروشان در خیابان ها، از فرصت استفاده کرده و بر موج اعتراضات خیابانی توده های مردم سوار شدند. این جناح با استفاده از امکانات وسیعی که در داخل و خارج از کشور داشتند، سعی کردند ابتکار عمل و رهبری این جنبش عمومی را در دست بگیرند و آنرا مهار کنند.

به رغم تلاش "اصلاح طلبان" در مهار خیزش عمومی توده ها، به رغم فقدان یک رهبری رادیکال و انقلابی، توده های جان به لب رسیده و خشمگین ایران، به سرعت مسیر خود را از جریان موسوم به سبز، جدا کردند. شعار "رای من را پس دهید" به شعار "مرگ بر دیکتاتور" تبدیل شد و سپس در تداوم خود به شعار "مرگ بر خامنه ای" نیز تغییر یافت.

مبارزات و خیزش اعتراضی توده های مردم ایران با جدا شدن از جنبش موسوم به سبز و با طرح شعارهای سرنگون طلبانه علیه کلیت نظام حاکم بر ایران خصلت رادیکال و انقلابی گرفت.

در طی یک سال گذشته، جنبش توده ای مردم ایران در ابعاد و اشکال مختلف همچنان ادامه داشته و تا به امروز به رغم تمام فراز و نشیب ها، مشکلات و سختی ها، نه تنها کل حاکمیت جمهوری اسلامی را زیر سوال برده است بلکه، دست تمام جریانات "اصلاح طلب" و نیروهای موسوم به سبز را نیز رو کرده است. ماهیت واقعی آنها را عریان، سیاست ها و مواضع عوامفربانه شان از جمله طرح شعار "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیش و نه یک کلمه کمتر" را آشکار و برای همیشه دست جریان سبز را در جهت به انحراف کشاندن جنبش توده ای و انقلابی مردم ایران کوتاه کردند.

به رغم کوتاه شدن دست "اصلاح طلبان" از جنبش توده ای مردم ایران، اما سیاست موج سواری و به انحراف کشاندن این جنبش اعتراضی، همچنان از طرف رهبران "اصلاح طلب" دنبال می شود. صدور اطلاعیه مشترک از طرف میر حسین موسوی و کروبی جهت حضور مردم در سالگرد 22 خرداد و سپس لغو این فراخوان، آنهم چند روز قبل از فرا رسیدن سالگرد انتخابات کذایی، نمونه بارزی از سیاست بازی این آقایان است.

اما همان طور که شاهد بودیم، با ابتکار عمل جوانان رادیکال، زنان، دانشجویان و نیروهای سوسیالیست، رادیکالیسم جنبش توده ای مردم ایران نیز ارتقاء یافت. به جای طرح شعارهای ارتجاعی جنبش سبز، شعارهای رادیکال و انقلابی از جمله "سرنگون باد جمهوری اسلامی" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" در خیابان های تهران و اغلب شهرهای بزرگ ایران در میان توده های مردم راه یافت.

این همه، نشانگر این واقعیت است که توده های آگاه و هشیار مردم ایران از این رژیم دیکتاتور اسلامی بطور کامل متنفر می باشند و به همین دلیل در هر فرصتی برای بیان انزجار خود از کلیت نظام و همه دم و دستگاه های آن استفاده می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی نیز به این امر واقف است و به همین دلیل از هیچ جنایتی برای سرکوب این جنبش اجتماعی دریغ نکرده و نخواهد کرد. گرچه اکنون اعتراضات خیابانی فروکش کرده است، اما مبارزات مردم به اشکال دیگر ادامه دارد و ادامه هم خواهد داشت. ادامه مبارزات توده های

مردم، مسلماً دامنه بحران سیاسی-اقتصادی رژیم را روز به روز گسترده تر، تضادهای درونی نظام را عمیق تر و اقتدار جمهوری اسلامی و ارگان های سرکوبگرش را ضعیف تر خواهد ساخت. به همین دلیل رژیم جنایتکار حاکم بر ایران نیز هراسان از گسترش مبارزات توده های مردم ایران، برای اینکه اندکی بیشتر به حاکمیت ننگین خود ادامه دهد، بی رحمانه تر از قبل به جان مردم معترض، زندانیان سیاسی و پیش فراوان جنبش کارگری افتاده است.

اما به رغم اعمال اینهمه سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام، مردم ستمدیده ایران، به خصوص کارگران انقلابی بدون ترس و تردید از این توحش و وحشیگری های زبوانه رژیم، به این امر واقفند که برای تحقق مطالبات اقتصادی و سیاسی شان، راهی جز ادامه مبارزه و به کارگیری اشکال عالی تر مبارزاتی وجود ندارد. تنها با گسترش مبارزه، با سازماندهی و اتخاذ اشکال عالی تر مبارزاتی است که می توان تهاجمات وحشیانه جمهوری اسلامی را متوقف ساخت.

حقانیت این ادعا را مردم کردستان در روز 23 اردیبهشت 1389 با برگزاری یک اعتصاب عمومی پیروزمند ثابت کردند. اعتصاب عمومی که با کمترین هزینه و با درهم شکستن دیوار سرکوب و اختناق، گام بزرگی در پیشبرد مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی و استبداد حاکم بر ایران برداشت. این اعتصاب شکوه مند نشان داد که جنبش کردستان همانند دیگر جنبش های اجتماعی ایران، کماکان در سنگر آزادی و پیشاپیش تقابلات سیاسی کشور قرار دارد. جنبشی که نقش مهمی در به سر انجام رساندن مبارزات توده های مردم ایران در جهت سرنگونی و به مصاف کشیدن کل حاکمیت جمهوری اسلامی ایفاء خواهد کرد.

اگرچه خیزش یکپارچه و متحدانه مردم ستمدیده و انقلابی کردستان در اعتراض به اعدام پنج زندانی سیاسی، پنج انسان آزاده و انقلابی بود، اما همزمان یک جواب قاطع و دندان شکن به رژیم جمهوری اسلامی جهت پیشبرد سیاست سرکوب و اعدام نیز بود. این اعتصاب عمومی ضمناً قطب رادیکال و کمونیست جنبش را بیش از پیش تقویت کرد.

این اعتصاب تاریخی و موفقیت آمیز، بدون شک نه تنها پیوند مبارزاتی جنبش انقلابی کردستان با جنبش سراسری توده های مردم ایران را محکم تر ساخت، بلکه اعتماد به نفس و باور به ضرورت یک رهبری چپ و رادیکال را در جنبش سراسری توده های مردم ایران کاملاً آشکار ساخت.

خلاصه اینکه توده های مردم ایران آموختند به کارگیری اعتصاب عمومی سازمان یافته و سراسری، شکل دیگری از اشکال مبارزاتی است که در شرایط معین می تواند نبرد آشتی ناپذیر کارگردان، ستمدیدگان و آزادی خواهان ایران علیه جمهوری اسلامی را به فاز نوینی ارتقاء دهد.

تجارب یک ساله مبارزات توده های مردم ایران، به روشنی نشان داد که طبقه کارگر ایران از فقدان یک تشکل سازمان یافته و سراسری رنج می برد. عدم حضور سراسری و سازمان یافته طبقه کارگر در اعتراضات یک ساله توده های مردم ایران، ضرورت تشکل یابی سراسری کارگران را بیش از گذشته آشکار کرده است. نه تنها ضرورت تشکل یابی کارگران را در کانون های شورایی، سندیکا ها و اتحادیه ها آشکار کرده است، بلکه ضرورت این امر را به نیروهای چپ، رادیکال و انقلابی نیز یاد آور شده است تا هرچه سریعتر جهت تشکیل کانون ها، انجمن ها، شوراها و دیگر تشکل های دموکراتیک و انقلابی همت بگماریم تا بدین وسیله قدرت و پتانسیل مبارزاتی و انقلابی خود و مردم ایران را جهت تقابل با سرکوبگری و ستمگری های جمهوری اسلامی ارتقاء دهیم. تا بدین وسیله جنبش سراسری توده های مردم ایران، جنبش طبقاتی کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی، خود را برای نبرد نهایی و سازماندهی یک اعتصاب سیاسی عمومی و سراسری جهت فلج ساختن و مختل کردن کل دستگاه های حاکمیت جمهوری اسلامی آماده سازد.

لازم به یادآوری است که لغو احکام اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی در سالگرد خیزش توده های مردم ایران باید با جدیت بیشتر پیگیری و به شعار ثابت و محوری اعتراضات توده ها علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود.

تجربه قیام شکوهمند بهمن 57 و مبارزات مردم ایران طی سه دهه گذشته به ما آموخته است که صرف سرنگونی جمهوری اسلامی کافی نخواهد بود. جهت تحقق مطالبات کارگران و زحمتکشان ایران و نیز سرنگونی انقلابی حاکمیت جمهوری اسلامی، سازمان یابی کارگران و حضور پر رنگ نیروهای چپ و رادیکال در پیشبرد این امر کاملاً ضروری است. ضرورتی که جهت برپایی یک

اعتصاب عمومی سراسری هم اکنون به یکی از ملزومات اصلی سرنگونی انقلابی رژیم آدم کش جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی
پیروز باد مبارزات انقلابی مردم ایران
زنده باد آزادی، برابری، زنده باد سوسیالیسم
21 خرداد 1389
کانون زندانیان سیاسی (در تبعید) سوند-واحد اروپرو